



شب بود و سرما و تاریکی زمین خسته ز بار گناه  
مجوسیان به دنبال نور نوری که تابد از آسمان  
وعده ای بود و بیت لحم مریم خسته ز تهمت ها  
او در پی مکانی بود که زاده شود مسیحا  
( همه درها بسته و سرد نه نگاه مشتاق یا گرم  
هرگز کسی نمی دانست که پسر خدا در اوست  
نوری از آسمان تابان شد بر زمین تشنه بارید  
نه در گهواره و نه در کاخ در آخوری پست و تاریک  
کودکی زیبا و نورانی زاده شد طبق وعده اش  
کلمه جسم را بر تن کرد وعده این بود خدا با ماست  
مجوسیان از ایران زمین رسیدند به نور یزدان  
با هدایا و پرستش دیدند آن مهر جا ودان  
فرشتگان نغمه دادند هلولیاه آمد مسیحا  
عمانوعیل خدا با ما عمانوعیل خدا با ما  
نوری از آسمان تابان شد بر زمین تشنه بارید  
نه در گهواره و نه در کاخ در آخوری پست و تاریک  
کودکی زیبا و نورانی زاده شد طبق وعده اش  
کلمه جسم را بر تن کرد وعده این بود خدا با ماست

